

جهنم به انتخاب خودم

مجموعه داستان

اسماعیل زرعی

به انتخاب

کیومرث کریمی



انتشارات فروارید

فهرست

پیش‌گفتار.....	۵
جهنم، به انتخاب خودم.....	۱۳
انگشت‌شمار.....	۲۹
شعله.....	۳۷
ساک دستی.....	۴۵
گرگ‌ها و گوزن‌ها.....	۵۱
ثبِت‌نام.....	۵۹
به دل آینه‌ها بشتابیم.....	۶۹
خاموشی.....	۷۵
ایستگاه.....	۷۷
غروب آخرین روز پاییز.....	۸۳
جنگ‌افزارهای معیوب.....	۹۱
و آن هنگام که لب به سخن.....	۱۰۵
چاهی به ژرفای همه‌ی نیستی.....	۱۱۹
کوچه.....	۱۲۷
وسوسه.....	۱۳۱
پنجره.....	۱۳۹

پیش‌گفتار

(من، جستجوگر چیزی در آن سوی زندگی
و بیرون از زمانم. ارنست همینگوی)

سال‌هاست دغدغه‌ی این را داشته‌ام که چرا داستان‌نویسان ما دست‌نوشته‌هایشان را قبل از چاپ به رأی صاحب‌نظران و منتقدان نمی‌گذارند و به همین علت اغلب، شوربختانه کیفیت را فدای کمیت می‌کنند.

بارها در مجالس و محافل ادبی این بحث مطرح شده است که نویسنده به دلیل تعلق خاطر به همه‌ی آثارش، نمی‌تواند از بین آن‌ها، تعدادی را برگزیند و مقداری را کنار بگذارد. ناچار، موقع انتخاب و ارائه‌ی بهترین‌ها که می‌شود، دیگران باید این مهم را به عهده بگیرند که در واقع داورانی بی‌طرف محسوب خواهند شد.

در نهایت، به پیشنهاد تنی چند از دوستان، قرار شد برای انتخاب بهترین‌های داستان‌نویسان کشورمان قدم پیش بگذارم. طبیعی است که شروع هر پروژه‌ای مشکلات و گرفتاری‌های خاص خودش را دارد. در

نشست‌های مکرر و بعد از مشورت با دوستانِ اهل قلم و برخی پیش‌کسوتانِ عرصه‌ی ادب، ساده‌ترین و راحت‌ترین راه برای زدنِ استارتِ این مهم، رفتن سراغ داستان‌نویس صاحب سبک و پُر تلاش، اسماعیل زرعی بود که خوشبختانه همان‌طور که انتظار می‌رفت با خوش‌رویی، استقبال و تشویق ایشان نیز روبه‌رو شد؛ طوری که متواضعانه همه‌ی آثارشان را در اختیارم گذاشتند.

به امید این‌که اگر عمری باشد و مجالی، سراغِ داستان‌نویسانِ دیگرِ کشورمان بروم شاید خدمتی هر قدر ناچیز به فرهنگ این مرز و بوم کرده باشم.

اما انتخاب ۱۶ داستان از بینِ بیش از صد داستانِ کوتاه و بلند، کاری بسیار پرزحمت، سخت و وقت‌گیر بود؛ آن هم بنا به ضرورتِ در نظر داشتنِ علایق و سلیقِ طیفِ وسیعی از جامعه‌ی کتابخوان.

با دقت و وسواس دست به گلچین زدم. تأکیدم بیشتر روی مضمون، ساختار و بافتِ داستان‌ها بود؛ باین‌حال واقفم که کارم صرفاً سلیقه‌ای است و گرنه آثارِ ادبی و فرهنگی بسیار پیچیده‌تر و ظریف‌تر از آن است که بشود با قاطعیت درباره‌شان حکم صادر کرد.

هنر، پدیده‌ای اجتماعی است و هنرمند در روندِ آفرینش ناگزیر به نوآوری و خلاقیت‌های ذهنی و زبانی است. او، به‌عنوان یکی از افرادِ جامعه وظیفه دارد طرز تلقی خودش از جهان و زندگی را با اثر و قلمش به مخاطب انتقال دهد. به عبارتی نویسنده می‌بایست در بده‌بستانی فرهنگی و صادقانه با مخاطبش همراه و همدل شود؛ چون به‌خوبی می‌دانیم که آمال و آرمان‌های هنرمند فقط از طریق اثرش به خواننده انتقال می‌شود و او را متأثر خواهد کرد. زمانی این تأثیر، واقع خواهد شد که هنرمند بداند چه وظیفه‌ی دشواری به عهده دارد. به قول حافظ:

بلبل از فیض گل آموخت سخن، ورنه نبود/ این همه قول و غزل تعبیه در منقارش.

آنچه فراهم شده و در اختیار مخاطبان قرار گرفته، گزیده‌ای از کارنامه‌ی بیش از چهل سال فعالیت‌های ادبی اسماعیل زرعی است؛ داستان‌نویسی با نگرشی نو که شخصیت‌های داستانش را از بین مردم کوچه و بازار می‌گیرد که اگرچه اغلب ساده و بی‌پیرایه‌اند؛ اما بسیار متفکر و ژرف‌اندیش‌اند.

زرعی بر زخم‌های جامعه انگشت می‌گذارد و به‌گونه‌ای ارائه‌شان می‌دهد که خواننده ناگزیر به درنگ، تعمق و اندیشیدن شود. تصاویری که او بر منظرگاه مخاطبش می‌چیند، گاه خشن، تلخ و تاریک‌اند. زجر و نیستی سرنوشتِ محتومِ بیشترِ آدم‌های داستان‌هایش است. در مقابل، گاهی نیز بی‌پیرایگی مملو از احساساتِ لطیف و شاعرانه را دستمایه قرار می‌دهد و به‌خوبی زیبایی اطراف و اطرافیانش را نشان می‌دهد؛ مثل داستان پنجره و کوچه که به جرأت می‌توان گفت اوجِ خلاقیت هنری و ادبی است. برای آشنایی با گزیده‌های این مجموعه خیلی مختصر به هر یک اشاره‌ای کوتاه خواهم کرد:

۱. جهنم به انتخاب خودم: برنده‌ی تندیس صادق هدایت در سیزدهمین دوره‌ی جایزه‌ی ادبی صادق هدایت است. در این داستان، اسماعیل زرعی با نگاهی فلسفی، نقادانه و طنزی تلخ به روابط و روحیه و رفتارِ نویسنده، ناشر، ممیز و... در مجموع برخی از اقشارِ مختلفِ جامعه می‌پردازد و مناسبات اجتماعی‌شان را مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌دهد. همچنین درنگی دارد بر اثراتِ منفی پدیده‌ی سانسور، خودسانسوری.

۲. انگشت‌شمار: نگاهی است همه‌گیر به پیامدها و پس‌لرزه‌های بعد از چاپِ برخی آثار که چطور مخاطبان از دوستانِ نویسنده گرفته تا